

جنبش سراسری دستمزدها؛ چرا و چگونه؟

• مقدمه

• **دستمزدها چیست، اگر بدون آزادی بیان، بدون حق تشکل، بدون نمایندگان مستقل کارگری؟**

• **تشکل ما، وحدت ما و اراده ما است**

• **بگذار کارگران سخن بگویند!**

• **«کار هست، کارگر نیست»!**

• **طغیان و عصیان در صفوف کارگران علیه دستمزدها موج میزند!**

• **مطالبه دستمزدها، خواست و اقامت حجت کارگران کدامست؟**

• **کارگران فولاد اهواز چه میگویند؟**

• **اعتصاب سراسری غیرممکن نیست!**

• **خطوط اصلی پلاتفرم برنامه عمل برای شکل دادن جنبش دستمزد در صفوف طبقه کارگر در ایران**

مقدمه

جنبش قدرتمند دستمزدها موضوع مجموعه نوشته های حاضر را تشکیل میدهد. در آستانه فصل تازه دستمزدها، یک جنبش سراسری همه آنچیزی است که طبقه کارگر و توده زحمتکش جامعه نیاز دارند تا در مقابل یورش بی امان طبقه حاکم سنگر ببندند.

فصل دستمزدها همه چیز هست بجز تعیین دستمزدها؛ هر مسخره بازی در آن بگنجانند، مسخره تر از نمایش بی اعتبار «نمابندگی کارگران» در این نمایش از آب در نخواهد آمد. فصل دستمزدها در ایران پوچ است چرا که بورژوازی خود از قبل سیفون بی اعتباری قانون «تامین معیشت»، حتی همان معیشت فکسنی وعده قانون کار خود را کشیده است. فصل دستمزدها دربرگیرنده هر چیز باشد اما فاقد اعتبار توافقنامه کارگران است، نه اثری از انتخاب و اراده

کارگران در سراسر این پروسه یافت میشوند، و نه دولت حتی عرضه تضمین قیمت نان و توزیع دو سبد کالای قابل مصرف، تا چه رسد به تامین دستمزد معادل معاش یک خانواده کارگری را از خود نشان میدهد.

ارقام تاکنون منتشر شده مهمتر از هر چیز در دنیای واقعی بوی تداوم میلیونی زندگی زیر خط فقر، تداوم گرسنگی، نداری و حسرت میدهد. وزیر کار دامنه مجاز افزایش دستمزدها را بین بیست تا سی درصد اعلام کرد و دادنامه سال گذشته دیوان عدالت اداری لزوم رعایت بند ۴۱ قانون کار، رعایت برابری دستمزدها با سطح تورم در ایران بیشتر از آنکه زنده نگه دارد مدتهاست که ورای هر چیز دیگر تباهی میافریند.

برای طبقه کارگر فصل تعیین دستمزدها مثل بقیه سال فرصت زمانی است تا نیروی کافی برای زیر پا گذاشتن مصوبه جنایتکارانه دولت و مواجب بگیران شوری عالی دستمزدش جمع کنند. نه گفتن و اعتراض به مصوبه ی ضد کارگری اولین اقدام کارگری است. «شورایعالی کار را قبول نداریم». مصوبه ی دستمزد این نهاد سرمایه را نمی پذیریم. مرجع تصمیم گیری تعیین حداقل دستمزد مجامع عمومی کارگری و نمایندگان برخاسته از این مجامع است و لا غیر. رابطه کار و سرمایه یکطرفه نیست. این معامله دو طرف دارد: کارگر و سرمایه دار. در غیاب نمایندگان واقعی کارگری حرف بر سر دستمزد کارگر حرف مفت کارفرما و دولت است و بس!

مجموعه ی حرف های این دفتر و جزوه ی کارگری، در خدمت این «نه» گفتن و اعتراض کارگری بر سر دستمزد است. این گفتارها «احکام» و «باید» ها نیستند. باز کردن دفتر یک تحرک و جنبش سراسری کارگری برای مهم ترین عرصه جدال کار و سرمایه «دستمزد» است. باز کردن درب مشورت و تبادل نظر مجامع عمومی و محافل کارگران سوسیالیست و فعالین و رهبران عملی کارگری است. حرف آخر را شما می زنید. جنبش دستمزدها تاریخ مصرف ندارد. اسفند شروع و فروردین تمام نمی شود. جنبشی ادامه کار و پایدار و همیشگی است. سال قبل گفتند افزایش ۲۷ درصدی اسفند ماه پایان کار نیست، تابستان هم باز بررسی می کنیم. ولی دروغ گفتند. اما ما امسال باید این جدال را در طول سال به

کارفرماها و دولت تکمیل کنیم. سنگ بنای این جنبش را امسال و نه فقط برای امسال بلکه برای سال های پیشارو می گذاریم. پیش به سوی جدالی سازمانیافته، متشکل و متحد صف کارگران به عنوان یک طبقه «مزدبگیران» با سرمایه داران و دولت بعنوان طبقه ی «حکام سرمایه»!

دستمزدها چیست، اگر بدون آزادی بیان و بدون حق تشکل و نمایندگان مستقل کارگری؟

دستمزدها نوک تیز حمله بورژوازی علیه ساده ترین و بدیهی ترین حق کارگران یعنی حق زیستن است. دستمزدها بطور مداوم و بسرعت معیشت پایه ای توده مردم زحمتکش را هدف گرفته است. قانون کار تماما ضد کارگری، بیکار سازبها، اقتصاد جنگی، خروج کارگاه های کمتر از ده نفر از شمول قانون کار، قراردادهای موقت، کوپن و یارانه ها، و امروز دستمزدهای زیر خط فقر تباهی را به کل هستی طبقه کارگر تحمیل کرده است. دستمزدها نان و حرمت کارگران جامعه را به یغما میرد. در سیکل معیوب دستمزدها، کارگر در ایران هر چه بیشتر کار میکند، ثروت بیشتر و نعمات افسانه ای می آفریند و در عوض خود فقیرتر و زندگیش کریه تر میگردد.

دستمزدها چیست، اگر بدون اتحاد و بدون حق طلبی کارگری؟

این نه یک سوال، بلکه یک دو راهی است که حملات بیرحمانه بورژوازی هر کارگر را در مقابل آن قرار داده است... این کارگر دیگر حقی نمانده که از آن چشم پبوشد، نه چیزی که از دست بدهد، نه وعده ای که با آن دل خوش کند... تنها راه باقی مانده این است که چگونه می توان و باید سد بست، قدر سنگرهای تاکنونی را دانست و بساط بی سر و پاهای نوحه خوان و چماقداران و گفتارهای شورای عالی کار را جمع کرد.

برای بسیج نیروهای طبقه هیچ وقت دیر نیست، اما بعلاوه موضوع دستمزدها ذخیره عظیم از حق طلبی و مبارزه جویی را در دل صفوف طبقه کارگر گرد آورده است که میتواند در همان بارقه های اولیه صفوف سرمایه را به هزیمت بیانندازد، با هر پیروزی کوچک فوج تازه ای از کارگران را به میدان آورد. ... ادامه در صفحات بعد

آزادی
برابری
حکومت کارگری

دستمزدها جان میلیونها کارگر را به لب رسانده است، هیچ چیز در مقابل توده جان به لب رسیده که میدانند چه میخواهند، یارای مقاومت نخواهد داشت. وضعیت نا بسامان فقر و تباهی موجود کارگران را فرا میخواند که برای به کرسی نشاندن دستمزدهای شایسته به اتحاد هر چه بیشتر صفوف خود بپیوندند.

تشکل هله وحدت ما و اراده ما است!

جنبش سراسری دستمزدها پاسخ شایسته، اتمام حجت طبقه کارگر با حکومت سرمایه در ایران است. اتحاد و اراده و آمادگی کارگران تنها تکیه گاه حق طلبی کارگری است. جنبش سراسری دستمزدها در مسیر راهی است که در طول سالها سرکوب، توسط بیشمار اعتصاب و حق طلبی در گوشه و کنار مراکز کارگری هموار شده است. تلاش و مبارزه جویی در خاطره زنده کارگری جامعه در برپایی اعتصابات، در چاره جویی آنها در ایجاد اتحاد در صفوف طبقه همه جا ثبت و زنده است.

یک جنبش سراسری گام استوار طبقه ما در امتداد همان افق است که از فولادی ها و نیشکری ها و معدنچیان، از سلولهای زندان سپیدار و اوین، از تلاشهای سمج و خستگی ناپذیر شکل دادن به انواع اتحاد میان کارگران تا بر افراشتن پرچم کارگری در دانشگاهها همواره ادامه داشته است.

جنبش دستمزدها پرچم وحدت ما کارگران است، آن «تشکل» فوری و ممکن کارگری - هر چند در قدمهای اولیه آن - است که در فراخوانی مشترک دست هزاران هزار مرکز کارگری و میلیونها هم طبقه ای، ندیده و نا شناخته را در دست هم قرار میدهد. کابوس دستمزدها، هم سرنوشتی دستمزدها، خواست مشترک دستمزدها... همگی راه سر راست و فوری برای برپایی جنبش و تشکل سراسری را در مقابل ما باز میکند.

یک عمر است سنگ های یک جنبش و تشکل سراسری را روی هم میچینیم تا وحدت و اراده ما را به میدان بیاورد. برای سازمان سراسری کارگری در ایران کارهای هنوز زیادی باید انجام داد، اما اگر یک خواست مشترک، مبارزه مشترک و پیروزی های معین پایه های اولیه و ناگزیر در این راه باشد، دستمزدها آلترناتیو اول در این مسیر است.

تعرض تازه تر حکومت سرمایه و تکرار دستمزدهای سال ۱۴۰۲ نباید مجال خودهایی پیدا کند. حق طلبی کارگری در زمین دستمزدها جز با زبان تعرض نمیتواند سخن بگوید. این اساس جنبش دستمزدها وظایف پیش روی ما را تشکیل میدهد.

پنگار کارگران سخن پگوییها

مبارزه برای افزایش دستمزدها نمیتواند اعتراض توده های میلیونی نباشد. اعتصاب دستمزدها باید نه فقط کارخانه ها و مراکز تولیدی بلکه باید محلات زحمتکش نشین را به حرکت در بیاورد.

جنبش دستمزدها، اعتراض علیه بهره کشی و استثمار میلیونها صغیر و کبیر از تبار خانواده کارگری را شامل می شود که با شیره جان خود نان از زیر سنگ در می آورند.

حکومت سرمایه هرگز تامین معیشت کارگر را در قاموس خود نداشته است. معیشت کارگر در گرو شغل، و آن نیز در گرو تسلیم و بردگی و سود حاصله خلاصه میشود. دستمزدهای زیر خط فقر اوج وقاحت سرمایه در ایران است که تامین ساده ترین نیازهای زندگی کارگر را نه فقط از کارگر بلکه از کل خانواده کارگری، نه فقط از طریق شغل بلکه از طریق اضافه کاری و دوندگی در طول شبانه روز می طلبد.

ببینید که چگونه کار کودکان، انواع کار خانگی، ساعات کار طولانی هنوز به گرد پای فقر و نداری و حسرت خانواده کارگری نمیرسد! سفره های محقر و یخچال همیشه خالی جوابگوی یک دهان پر از نان تا چه رسد به تامین معیشت نیست.

ببینید چگونه صغیر و کبیر خانواده کارگری را مجازات میکنند چرا که کار و فرسودگی میلیونها عضو از این تبار، هنوز برای یک مشت زالوی سرمایه دار به اندازه کافی سود آور نیست! ببینید، جرات میکنند ما را به جان هم بیاندازند! جنبش سراسری دستمزدها پرچم کيفرخواست خانواده کارگری را در محلات کارگری برافراشته میکند. این جنبش در ابعاد و اشکال گوناگون بسیار فراتر از یک آکسیون است، از شاخص های این جنبش ایجاد همبستگی و اعتماد نفس در

یک مبارزه سرسخت و پایدار است. این مبارزه ای برای عدالت، برای آزادی بیان و تشکل، علیه سرکوب و ارتشاء و دزدی است و از جمله میدان حق طلبی زنان در زنجیر کار خانگی و آنهم در کابوس دستمزدهای زیر خط فقر، زنجیر شدگان دخمه های قالی بافی، جگرگوشگان خردسال اسیر کارگاه های کار کودکان، توده عظیم زنان سرپرست خانواده، بازنشستگان و جمعیت عظیمی از طبقه کارگر که داغ لعنت کار مزدی بر پیشانی دارند؛ است.

جنبش ما و صدای ما همه و همه کارگران در سراسر جامعه را شریک می کند. هیچ کس از اعضای طبقه ما نباید تنها بماند. همه باید خبردار شوند.

طغیان و عصیان در صفوف کارگران علیه دستمزدها میوه میوهها

مدتهای مدید است که جامعه آستان خیزش گرسنگان و انفجار اعتراضی در پی دستمزدها و بر سر معیشت است. دستمزدهای ناچیز هستی میلیونها انسان کارگر و خانواده های آنها را مستقیماً با مخاطره روبرو ساخته است. جیب های خالی، شکم هایی که به زحمت سیر میشود، تن های در هم کوفته از کار، روح خسته و خدشه دار از غرور فرو خورده برای حفظ شغل، لیست پایان ناپذیر گرفتاری ها خیلی وقت است که کمر وجدان و شرافت کارگری جامعه را در هم کوبیده است...

پاوه های حکام سرمایه در باره ی کنترل تورم و امنیت و آسایش جامعه، تف سر بالا و مهر شرمساری و دروغ را بر پیشانی شان زده است. بار تامین معاش توده عظیم بیکاران، از کار افتادگان بر دوش شاغلین سنگینی میکند. در آلونک ها و چهار دیواری ها بر اثر تراکم صغیر و کبیر خانواده های کارگری و زحمتکششان جای سوزن انداختن نیست.

در این میان اگر هنوز طغیان و شورش خیابانها را در خود نگرفته است، اگر هنوز عمارت وزارت کار در حلقه آتش نمیسوزد، به خاطر این است که این توده جان به لب رسیده به چیزی بیشتر از تصفیه حساب با جانوران حاکم برای التیام زخم های پیکر خود احتیاج دارند.

دستمزدها برای ده ها میلیون کارگر خاکریز دفاع از هست و نیست خود و خانواده بزرگ کارگری آن جامعه است.

اما اعتصاب کارگری فقط سنگری در مقابل فقر و نداری ناشی از دستمزدهای ناچیز نیست. اعتصاب کارگری پرچم برخورداری فوری توده زحمتکش از ثروت و نعمات جامعه است. هر اعتصاب کارگری نقشه و سازمان حی و حاضر موجود در جامعه برای رفاه و آسایش همگانی را با خود دارد. اعتصابات کارگری پر ارزش ترین سرمایه مبارزاتی طبقه کارگر ایران و مشخصاً در عرصه دستمزدها است. این اعتصابات و محور مشترک دستمزدها میتواند و باید خود را باور کند، برسمیت بشناسد و برای شکل دهی یک مبارزه متحد و سازمان یافته و منسجم خیز بردارد.

جنبش اعتصابی سراسری برای افزایش دستمزدها در دسترس طبقه کارگر ایران است. قدرت واقعی این جنبش هر جا که مجال پیدا کرده است را در یک جمله از رهبران کارگری میتوان جستجو کرد: نمیتوانید؟ بروید کنار، ما کارگران اداره میکنیم!

مطالبه دستمزدها، خواست و اقدام حجت کارگران کلام است!

شورای عالی کار و چهل و پنج سال تاریخ آن در پایمال کردن حقوق کارگران، سیزده رئیس جمهور، دوازده دوره مجلس، هشت وزیر کار، چهار بار بازنویسی قانون کار را در سابقه خود دارد.

طبقه کارگر اما قانون نانوشته خود را دارد. قوانینی که فقط در یک جدال و کشمکش طبقاتی بدون وقفه تعیین تکلیف می شوند. فوری ترین خواست امروز طبقه کارگر، یعنی:

- حق تشکل کارگران، آزادی بیان و تجمع کارگری

- آزادی انتخاب نمایندگان مستقل کارگری

- آزادی اعتصاب

- آزادی همه کارگران زندانی و بازگشت همه اخراج شدگان به سر کار

مطالبه کارگران بر سر دستمزدها سالهاست که روشن است. تعیین مطالبات کارگری در هر مورد از فصل تعیین دستمزدها باید در اختیار نمایندگان منتخب کارگران باشد. برای نقطه شروع یک جنبش سراسری دستمزدها، رقم رسمی تورم، در سطح حداقل «معادل سی میلیون تومان در ماه» اکنون جزو بدیهیاتی است که حتی نهادهای دولتی کارگری هم به آن اذعان دارند.

همزمان خواسته های کارگران در زمینه دستمزدها یک شاخص مهم آزادی و حقوق انسانی و پایه ای هر شهروند جامعه است. جنبش دستمزدها، طبقه کارگر و اعتراض آن را ضامن یک اهرم قدرتمند علیه سرکوب و بی حقوقی در کل جامعه قرار میدهد.

توحش حاکم بر سر موضوع دستمزد کارگران در ایران پای منافع سرمایه را نیز گرفته است.

«کار هست، کارگر نیست» آخرین نمونه از شکایات رایج در تیتز رسانه ها قابل مشاهده است. بزبان ساده وضع بجایی رسیده است که «در این شرایط کارگران متخصص تر به عنوان بازیگران عقلانی اقتصادی وقتی احساس کردند قدرت خرید خود را در مشاغل با دستمزد ثابت و معین از دست می دهند، به سمت مشاغل دیگری رفتند؛ برخی، مشاغل با دستمزد شناور مثل تاکسی اینترنتی را برگزیدند، برخی سراغ مشاغل آزاد یا فریلنسری رفتند، برخی هم از کشور مهاجرت کردند و به کشورهای همسایه مثل عراق و عمان رفتند که برای همان کار دستمزد به مراتب بالاتری دریافت می کنند. (رئیس کانون عالی انجمنهای صنفی، «سرکوب دستمزد کارگران ...»

(روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۵۹۰۹، نهم اسفندماه ۱۴۰۲)

اشتباه جایز نیست. در جملات فوق شکوائیه نمایندگان سرمایه رو به جامعه زبان درازی میکند. اگر در تک تک کلمات حالتان بهم می خورد در عوض زیاد رئیس «کمیسسیون سرمایه گذاری و تامین مالی اتاق ایران» را سرزنش نکنید. ایشان همانجا از زاویه یک سرمایه دار و از زاویه سود بیشتر و استثمار پر صرفه تر، بجای آسمان ریسمان دستمزدی، رک و راست حرف میزند: سه چهارم ظرفیت اقتصاد ایران به دلیل نبود بهره‌وری غیرفعال است و اگر فعال شود کارگران بیشتری مورد نیاز خواهد بود. در چنین شرایطی اگر کارفرمایان اقدام به افزایش دستمزد متناسب با ارزش واقعی کار نکنند، به تدریج صنایع کشور از کارگر متخصص خالی می شود. (همانجا)

در موضوع دستمزدها فرهنگ سیاسی، زبان رایج و مجاز در ایران یک مرداب چرکین ضد کارگری است. اخلاق و شرافت انسانی تا چه رسد به تعهد به حقیقت و عدالت جایی در آن ندارد. بروید پای وعده های بی سر و ته و لاف زندهای رئیس جمهور بنشینید، بهانه ها و استدلالات مصوبات در ارتباط با دستمزدها را در مجلس و دولت را از نظر بگذرانید، آروغ های وزیر کار در شیرین زبانی حاشیه دستمزدهای زیر خط فقر، تعزیه چرخانی خانه کارگر را بخاطر بیایورید... بورژوازی و سرمایه هیچ وقت جز سود قانون و مقدسات دیگری را پایبند نبوده و نیست، ورژن ایرانی آن، «کار هست، کارگر نیست»، دغدغه تازه کارفرمایی برای اشتغال و دستمزد کارگران، دیگر نوبر است.

اولا، قدرت خرید با دستمزد ثابت پیش کش، ده ها سال آژگار است که کارگر نه از کار بلکه خارج از کارخانه معاش خود و خانواده را تامین میکند. دستمزد معادل تامین معاش خانواده یک حقه بازی مزخرف است که مطلقا هیچ مصوبه دستمزدی به گرد پای آن نرسیده است. سرگذشت معاش در ایران داستان کارگرانی است که با چنگ و دندان، با کودکان و همسر و با والدین بازنشسته خود را به در و دیوار زده اند، مجبور شدند کرور کرور جگر گوشگان خود را هم به سر کار بفرستند، دو شغله باشند، برای اضافه کاری با هم رقابت کنند، خود را به کشتن بدهند، به تن فروشی پناه ببرند؛ کلیه و مغز استخوان خود را به حراج بگذارند.

ثانیا، بیکاری میلیونی یک سیاست دائمی و تعطیل ناپذیر دولت و طبقه سرمایه دار ایران بوده است. در طول چهار دهه همواره بیست تا پنجاه درصد از طبقه کارگر در ایران با بالاترین درجه تحصیلات و مهارت در مشقت های آهین سودپرستی زیر ضرب یک قانون کار جهنمی با انگ بیکاری بر پیشانی، اما در چهارچوب قرارداد موقت، مناطق ویژه صنعتی، طرح استاد-شاگردی، طرح بومی سازی، دستمزدهای معوقه، کار خانگی ... چند بار ایران را از ویرانی جنگ، ویرانی تحریم و از ویرانی ناشی از حکومت بورژوازی مملو از سودپرستی و هرزگی و ارتشاه؛ از نو ساختند. در طول تمامی سالهای گذشته تعداد مشمولین قانون کذایی بیمه بیکاری هرگز از دویست هزار نفر در سال برای کل طبقه کارگر ۴۰ میلیون نفری فراتر نرفته است.

ثالثا، «کارگر نیست»، حرف در دهان مشترک رئیس کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران ایران و همچنین رئیس «کمیسسیون سرمایه گذاری و تامین مالی اتاق ایران»، خصوصا وقتی بحث درباره دستمزد و حق کارگر در میان است، زیادی بدقواره از آب در میآید.

راست میگویند «کارگر نیست»، چرا که از اوین تا سپیدار کارگر در سلولهای زندان بسر میبرد، اخراجی است، کیور، کرور در سوانح محیط کار جان خود را از دست داده اند، در صدمات ناشی از محیطهای کار معلول و بیمار و از کار افتاده دستشان به جایی بند نیست، در سالهای طولانی فقر و نداری سیر انسانی ازدواج و عشق و فرزند معکوس از آب در آمده است ...

در بازگشت به متن خبر، «کارگر نیست» حقیقتی غیر قابل انکار را در خود دارد. «کارگر نیست» نشانه بارز آن است که «حرمت طبقاتی» مجال هر چه بیشتری

پیدا میکند، تعداد هر چه بیشتری از نسل جوان کارگران به هر شرایط تن نمیدهند. کفگیر بساط کارگر مظلوم، بساط سینه زنی خانه کارگر به ته رسیده است. کارفرمای ایرانی باید پیه ادعا و انتظارات و توقعات کارگر را به تن مالد. حقیقت اینست که پدیده «کارگر نیست» سر از جای دیگر در میآورد، راست میگویند «کارگر نیست» چرا که کارگران راه اعتصاب را در پیش میگیرند. کارگر برای دستمزد بجای راه حل فردی و گریز از نکیت حاکم راه اتحاد و سودای «ما خود کنترل میکنیم» را در پیش گرفته اند.

اما هر چه هست، این تازه اول ماجرا است. در دعوی دستمزد آنقدر کارگر هست که نه فقط دستمزد شایسته را از گلو بورژوازی ایران بیرون بکشد، بلکه با نمایندگی مستقل کارگری و به زور اعتصابات خود برای دستمزد هم طبقه ای های افغانستانی نیز سینه سپر کنند. این تازه اول ماجرا است، جوجه ها را آخر پائیز میشمارند!

کارگران فولاد ایران چه میگویند؟

جنبش سراسری دستمزدها اگر قرار است یک فراخوان از دل کارگران باشد، کارگران و اعتصاب گروه ملی فولاد در این مورد، حق مطلب را ادا کرده اند. به فراخوان فولادگران پاسخ دهیم:

«بیاییم همه با هم جمع بشویم، دلیل و استدلال بیایوریم؛ و آنوقت فکری بکنیم. روزهای سختی را می گذرانیم. فقر و فلاکت همه جا را گرفته. کرونا هم مزید بر علت شده و همه مان را در چنگال خودش گرفته. واقعا این حقه که باید همه مون نه تنها هر روز برای تامین معیشت خانواده مان جون بکنیم، تازه برای گرفتاری هر یک از حقوق مان هم بکنیم؟ مگر ما چقدر انرژی داریم؟ هر روز با نگرانی و ترس از خواب بیدار شویم؛ تمام روز زحمت بکشیم و بعد خسته و مستاصل و نگران به خانه برگردیم. این واقعیت زندگی فقط ما نیست. ده ها میلیون نفر همین وضعیت را دارند. تازه ما جزو خوش شانس ها هستیم. هنوز کار داریم. این روزها یک تلاشی براه افتاده تا یکی از حقوق مان که در قانون همین کشور بی قانون ثبت شده را از دولت بگیریم؛ «حق بدی آب و هوا». این حق ماست. باید بدهند. اما نمیدهند. چرا؟ چون زورشان زیاد است! به همین سادگی. تلاش شده که امضاء هم جمع شود؛ امضای تمام کارگران را بگیرند و به دولت بدهند. میگویند اگر اینکار را بکنیم این حق را به ما میدهند. یعنی ماهی هشتصد هزار تومان. اما همین مبلغ ناچیز تو زندگی ما تاثیر دارد.

اما یک سوال پیش میآید؛ چرا لازم است همه کارگران امضاء کنند؟ چرا باید تو محل کار بگردند و امضاء جمع کنند؟ مگر این حق قانونی ما نیست؟ مگر دولت نمیداند که همه کارگران این حقشان را طلب می کنند؟

مگر دولت نمیداند که فقر آنچنان دمار از روزگار همه درآورده که هر میزان، هر چقدر ناچیز، مطالبه تک تک کارگران است؟ آیا این امضاء جمع کردن یکی از حیل های دیگر دولت و کارفرما نیست؟ سعی ندارند اینظوری ما را دنبال نخود سیاه بفرستند؟ ما را سر کار بگذارند؟ ما را امیدوار کنند تا بعد از اینکه آنها از آسیاب افتاد، بزنند مان زمین؟ کم از این حیل ها دیدیم؟ باید گفت امضاء بی امضاء؛ حق مان را بدهید. همه کارگران این مطالبه را دارند؛ امضاء دیگه چه بازی است!

تازه به همین جا ختم نمیشود. بعد از امضاء ها باید مجموعا مبلغ یک میلیارد تومان به وکیل بدهیم تا این کار را پیگیری کند. وکیل؟ برای چی؟ از کی تا حالا کارگران برای گرفتن مطالبات شان و حق قانونی شان باید وکیل بگیرند؟ وکیل برای وقتی است که دستگیر می کنند و تهمت بهمان می زنند. برای گرفتن مطالبه کاری که به وکیل نیازی نیست، یعنی هر نفر باید دو میلیون تومان بدهد تا شاید بعد از چند ماه هشتصد هزار تومان بگیرد!

بیاییم همه با هم جمع بشویم و حرف بزنیم، بحث کنیم، دلیل و استدلال بیایوریم؛ همدیگر را قانع کنیم. اگر همه یا اکثریت رضایت دادند آنوقت فکری بکنیم. فواید و مضرات این تلاش را بسنجیم. این تنها راه درست و اصولی است. کارگران باید همگی در جریان تصمیم گیری قرار بگیرند. دولت میداند کارگران زیر فشار کمرشان خم شده. خسته اند؛ مستاصل و عاصی اند و دارد از این شرایط بنفع خودش بهره برداری میکند. میخواهند اینظوری کارگران را برای مدتی ساکت کنند.

ما برای حق خواهی اتفاق نظر داریم ولی راه رسیدن به این حق مورد بحث و مشاجره است. آیا راه درست جمع آوری امضاء است یا تلاش و مبارزه جمعی و متحد؟

حق بدی آب و هوا یا اولاد یا مسکن یا اضافه کار حق ماست. بدون بحث باید بدهند. آیا زور وکیل به آنها میرسد؟ اگر هم با این شرایط بدهند جز این است که انتظار دارند برای مدتی ما را به سکوت بکشاند؟ آنوقت ضرر این سکوت خیلی زیاد است. طی این دوره سکوت همبستگی و اتحادمان ضربه می خورد. ترمیم روحیه اعتماد و همبستگی کار بسیار بسیار سختی است.

ما با این پروژه (جمع کردن امضا) چنان ضرباتی به موقعیت خودمان می‌زنیم که جبرانش زحمت زیادی لازم دارد. این پروژه به کارگران عقب نشینی تحمیل می‌کند.

اما اگر تلاش کنیم همه کارگران را در پروژه تصمیم‌گیری دخالت بدهیم و هر وقت که مساله کاری در میان بود بتوانیم دور هم جمع شویم، قادر خواهیم بود با مشورت و خرد جمعی بهترین تصمیم را برای منافع پرسنل بگیریم. پس به جای عقب نشینی، متحد و آهنین در کنار هم و با اعتماد به نفس بالا حق خواهی میکنیم. اجازه ندهیم که این دولت و کارفرما با حيله‌ها و ترفند‌ها بین ما تفرقه بیندازند.»

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد - آدرس کانال
<https://t.me/sedayemostaghfolad>

اعتصاب سراسری غیرممنوع نیست!

اعتصاب سراسری بعنوان بخشی از جنبش دستمزد اگر هنوز دور از دسترس به نظر بیاید، اما غیر ممکن نیست. در دل یک جنبش و همبستگی سراسری دستمزد، اعتصاب بعنوان یک ابزار قدرتمند و تعیین کننده می‌تواند در دسترس باشد. اعتصاب سراسری ملزوماتی دارد که طبقه کارگر تا کنون از آن بی بهره است. جنبش مجامع عمومی، شوراهای کارگری، اتحادیه‌های کارگری و... از جمله این الزامات و تدارک و آمادگی است. بدون اتحاد و تشکل پایدار بویژه جنبش مجامع عمومی منظم کارگری بعنوان قدرتمندترین شکل اتحاد و دخالت توده‌های طبقه در سرنوشت مبارزاتی خود، هماهنگی و همبستگی سراسری طبقه کار دشوار و پیروزی طبقه دور از دسترس قرار می‌گیرد.

اعتصاب سراسری کارگران در جنبش طبقه کارگر جهان یک فراخوان نا آشنا نیست. ابداع کسی نیست. این اعتصاب هم سرنوشتی طبقاتی کارگران را در ورای شهرها، کارخانه‌ها، محلات کارگری؛ در ورای محدودیت‌ها و مرزهای موجود را یک گام بزرگ به جلو میبرد.

اعتصاب سراسری کارگری در ایران هم باید شالوده یک سازمان سراسری کارگری را هدف قرار دهد. سازمان و تشکل سراسری در ایران حاصل رشد گام به گام، و تکثیر سلولهای فرضی نمیتواند باشد، «اعتصاب» و «سراسری» و «دستمزدها» بند ناف قدرت سازمان یافته طبقه کارگر در ایران است، که پا را از گلیم دفاعی و پراکنده‌دراز میکند و پیروزی‌های واقعی و تعریف شده را تضمین می‌کند. در شرایط ما جنبش مجامع عمومی کارگری ستون و پایه‌های ایجاد یک جنبش و ابزار وجود سراسری طبقه است.

تدارک اعتصابی

اعتصاب سراسری، فراخوان احزاب و جریانات پوزسیون نیست. بهانه‌ها و پاپوش دواير امنیتی حکومت نمیتواند و نباید کوچکترین مجال تردید و دودلی را پیدا کند. اگر «فراخوان» و کاسه‌ای زیر نیم کاسه در کار باشد، خود دولت مقصر است. مصوبه دستمزد، یکی پس از دیگری، یکی بدتر از مصوبه قبلی، یک تعرض آشکار و گستاخانه به طبقه کارگر است که هر کارگر، هر کارخانه و هر محله کارگری را به شورش و دفاع آتشین از حیات و حیثیت خود فرا میخواند. اعتصاب سراسری، یک شرط بندی سیاسی نیست، این فراخوان یک پیام آسمانی و ملی و میهنی را پشتوانه خود ندارد، اما آگاهی و به همان اندازه تعلق خاطر، تعصب و جاه طلبی کارگری را به حرکت در می‌آورد. اعتصاب ما همانقدر که فردی است به همان اندازه طبقاتی سراسری است. همانقدر که شامل حال کارگران میشود به همان اندازه رو به کل جامعه دارد. چرا مصوبه سیاه و آشکارا کثیف دستمزدی با اعتراض یک پارچه دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها روبرو میشود؟ آیا انتظار زیادی است که ستون اقتصادی و سیاسی روزنامه‌ها با رنگ سیاه ننگ منتشر شود؟

جامعه ما آن روزهایی را بخاطر دارد که «ما همه اسماعیل بخشی هستیم». آن جامعه بستر اجتماعات اعتراضی بازنشستگان و معلمان بوده است؛ علیرغم جنون و سادیسم معیارهای حاکم کاپیتالیستی، آن جامعه قربانیان بیکاری، فقر، تنگدستی، قربانیان تفرقه ملی در صفوف کارگران را در دایره حمایت و همبستگی خود گرفته‌اند. طبقه کارگر در قامت بلند سازمان یافتگی نیاز فوری جامعه است تا بتواند عدالت و انصاف و انسانیت نهفته در اعماق خود را به نمایش بگذارد.

اعتصاب سراسری کارگری نه فقط رو به فعالین محلی در میان کارگران دارد بلکه کنجکاو و اشتیاق و امید را در دل جامعه زنده میکند، دامنه توانایی اعتراضی کارگران از پتانسیل موجود، از ظرفیت‌های واقعی آنها تبعیت میکند، میتواند از یک اجتماع در سلف سرویس آغاز شود. هر اعتراض سراسری با موضوع دستمزدها دامنه‌ی تأثیراتش را بسیار بالا و فراتر می‌برد. اهمیت این تدارک و

تحرك و تعرض آنجاست که کارگران بطور دست جمعی هم طبقه‌ای‌های خود و کل جامعه را خطاب قرار می‌دهند. از اتحاد خود، از هم سرنوشتی و از آینده مبارزات و از رفاه و معیشت و خوشبختی جامعه می‌گویند.

یک اعتصاب سراسری سازمانیافته و متکی به جنبش مجامع عمومی و نمایندگی‌ها و برقراری ارتباط و هم پیمانی بین مراکز بزرگ کارگری، بخودی خود موجب ابراز وجود هزاران اتحاد کارگری، علقه‌ها و هم پیمانی‌های کارگری است. زمینه‌ی ایجاد شبکه مالی در سراسر جامعه است. عامل جلب همبستگی و حمایت توده‌های زحمتکش جامعه و شبکه‌ی خبر رسانی، مددکاری و بهم بافتگی سلول‌های اجتماعی و جنبش‌های امثال زنان، دانشجویان و امثال آن است. اعتصاب کارگری پرچم برخورداری فوری توده زحمتکش از ثروت و نعمات جامعه است. هر اعتصاب کارگری نقشه و سازمان حی و حاضر موجود در جامعه برای رفاه و آسایش همگانی را با خود دارد. اعتصابهای کارگری پر ارزش ترین سرمایه مبارزاتی طبقه کارگر ایران و مشخصا در عرصه دستمزدها است. این اعتصابها و محور مشترک دستمزدها میتوانند و باید خود را باور کنند، برسیمت بشناسند و برای شکل دهی یک مبارزه متحد و سازمان یافته و منسجم خیز بردارند.

اعتصاب سراسری یک روزه یا چند ساعته، روز انقلاب و سرنوشتی نیست، روز وسیعترین اعتراض است. کاسه‌ای زیر نیم کاسه نیست. این دولت است که با دستمزدها بازی در می‌آورد، ما دستمزد شایسته را مطالبه میکنیم، همان چیزی که قانون و عرف و عقل هم حکم میکند

خطوط اصلی پلانترنم برنامه عمل برای شکل دادن جنبش دستمزد در صفوف طبقه کارگر در ایران

دستمزدها زخم خونین و جانکاه پیکره کارگری در جامعه ایران است. تعرض بورژوازی به دستمزد کارگران همه مرزهای قابل تصور را پشت سر گذاشته است. مبارزه بر سر دستمزدها بخش اصلی تحرک اعتراضی کارگری را بخود اختصاص میدهد، اما نمیتوان از یک جنبش کارگری بر سر دستمزدها سخن گفت. بدون سنگر بندی و کشمکش در مقابل انواع دست درازی و توطئه کارفرمای سودجو و فرصت طلب و بد قول اصلا خبری از دستمزد در میان نیست. آنچه هست یک جبهه گسترده تدافعی، پراکنده، با شکافهای عمیق است که تیشه به ریشه اتحاد صفوف کارگری و توقعات و افق‌های میزند.

بر پا ساختن و شکل دادن مبارزه بخشهای مختلف طبقه کارگر حول یک جنبش کارگری به معنای مبارزه هدفمند و مشترک بر سر دستمزدها یک امر حیاتی و فوری صفوف کارگری جامعه است. فقدان جنبش دستمزدها همانقدر که طبقه کارگر را در چنبره انحطاط و تباہی در هم میکوبد، در همان حال یک سر پل، اما اجتناب ناپذیر برای غلبه بر موانع دشوار در راه یک اتحاد قدرتمند، سوسیالیستی و آگاه کارگری را فراهم ساخته است.

زمینه‌ها و ضرورت حیاتی جنبش سراسری دستمزد

- اول: اعتراضات ساختار فعلی دستمزدها در ایران دستمزد کارگران در ایران را به سمت دستمزد حداقل نزول میدهد، با تقسیم همان دستمزد نازل به بخشهای مختلف عملا در یافت ماهانه را نیز به امان خدایا میکند؛
- دوم: مهارت، سابقه و تحصیلات و شاخص‌های دیگر که علی القاعده باید مبنای دستمزد بیشتر قرار بگیرد مبنای شکاف عمیق میان صفوف طبقه شده و عملا بخشهای غیر «حداقل بگیر» را نیز از حقوق بر حق خود محروم ساخته است.
- سوم: با سیاست سرکوبگرانه و سرسختی دولت و همراهی هر چه عمیق تر کارفرماها اعتراضات دستمزدی کارگران در چهارچوب جاری کارایی خود را از دست داده است؛

کارگران کمونیست!

حزب ما، سنگر اتحاد و تشکل

حزب شما است.

حزب را از آن خود کنید!

چهارم: بنا به تعریف و در غیاب یک جریان اعتراضی کارگری قدرتمند؛ دیگر از مجاری رفرمیستی، قانونی، مسالمت جویانه و یا صنفی رسماً و عملاً - تا آنجا که به بالا مربوط میشود- جز یک فکاهی باقی نیست؛ و - تا آنجا که به پایین مربوط میشود- بزحمت میتواند از یک تقلاي پر از فداکاری و غرور اما کم نتیجه فراتر برود.

خطوط کلی یک جنبش سراسری دستمزد

۱- جنبش دستمزد اگر میخواهد زمینه پیدا کند، نظرها را بخود جلب کند، و راه بجلو باز کند باید تعرضی باشد، بخشهای وسیع طبقه را در بر بگیرد اما همزمان به اقدام و نفوذ بخش های صنایع اصلی متکی شود و حمایت فعال توده زحمتکش و خانواده های کارگری را سازمان دهد. هدف و فلسفه وجودی این جنبش نمایندگی مستقیم و انتخابی کارگران از یک طرف و حق اعتصاب در دفاع از نمایندگان خود در مذاکرات است. اعداد و ارقام کذایی جایی ندارد و سنت و روش های عملی برای تعیین نمایندگان مستقیم و حمایت از شروط نمایندگان در مرکز کشمکش است.

۲- حلقه ضعیف «خانه کارگر» شانس بزرگ هجوم جنبش دستمزد است. کنار زدن خانه کارگر شدنی است و در هر قدم شکاف و اختلاف را در صفوف خود حکومت دامن خواهد زد، بخودی خود بحث طرد و رسوایی خانه کارگر، صفوف طبقه کارگر و چهره ها و رگه های با نفوذ آنرا به چاره اندیشی و ابراز وجود وادار میکند.

۳- مطالبه محوری جنبش سراسری دستمزدها باید روی دستمزدهای پایه متمرکز شود. باید و چاره ای نیست که بی تفاوتی بخشهای صنعتی و اصلی کارگری در کشمکش دستمزدها را کنار زد، طبقه بندی مشاغل هرگز برای کارگران ماهر و کلیدی آش دهن سوزی نبوده و در عوض سم مهلک تفرقه صفوف طبقه و مبنای شکاف های تاسف بار برای کل کارگران عمل کرده است. جنبش سراسری دستمزدها مخالف امتیازات حاشیه ای و متفرقه دستمزدها نیست، اما هدف آن روی یک دستمزد کافی عمومی متمرکز است، به این معنا جنبش سراسری دستمزدها نه فقط جدال با حکومت و بورژوازی بلکه جدالهای سخت در درون صفوف طبقه کارگر را پیش روی خود دارد.

۴- یک جنبش سراسری دستمزدها حاصل کشمکش و حاصل اقدامات عملی، پیگیر و مصمم بویژه از جانب فعالین و رهبران عملی خواهد بود. پیشرفت آن خطی

نیست، فرمول روشن و معجزه آسا و آسمانی ندارد، اما قطعاً به دستاوردها و اقدامات مسئولانه و دلسوزانه متکی خواهد بود و دائماً چکش کاری و تدقیق خواهد شد.

۵- پتانسیل موجود صفوف طبقه کارگر در زمینه مالی، امکانات و ارتباط هر چند وسیع اما بشدت پراکنده و ناکافی است. پا به پای یک جنبش سراسری و قدرتمند باید و میتوان چهره اجتماعی و طبقاتی در ایران را یکسر عوض کرد:

- شبکه جمع اوری کمک های مالی: بدون شبکه کمک های مالی توده ای هر گونه نقشه ای برای مبارزات موثر بسیار سخت خواهد بود.
- شبکه گسترده از تعاونی های مصرف کارگری که علاوه بر تقویت بنیه مادی کارگران در عین حال بستر همبستگی متقابل میان آحاد و واحدهای کارگری عمل میکنند
- شبکه های گسترده و متنوع از همبستگی و حمایت از مبارزات کارگری در سطح جامعه، دانشگاه ها، مراجع حقوقی و وکلا، انجمنهای داوطلبان ارائه خدمات پزشکی، حمایت از کودکان، معتادین، انجمن های ورزشی و ادبی و هنری

۶- کارگران بیکار موضوع تنگاتنگ و تفکیک ناپذیر از جنبش دستمزدها است. «یا کار یا دستمزد» یادگار جنبش بیکاران در سالهای ۱۹۳۰ برای دخالت و هم سرنوشتی کارگران بیکار با اعتراضات اتحادیه سراسری کارگران امریکا در کشمکش های دستمزد راهنمای مبارزات امروز کارگری در اقصی نقاط جهان است.

۷- جنبش دستمزدها همه اعضای خانواده کارگری را در بر میگیرد. دستمزد برای یک خانواده پنج نفره یک دروغ بزرگ و نفرت انگیز است. همین امروز و همیشه کودکان، بیماران، سالخوردگان، بازماندگان و از کار افتاده های صفوف خود را زیر سقف و در سفره محقرانه خود شریک ساخته اند.

۸- جنبش دستمزدها توده هر چه وسیعتری از خانواده کارگری، محلات و علاقمندان را در اشکال متنوع گرد هم میآورد، تکیه گاه و نقطه قوت آن در ارتباطات اینترنتی و مجازی نیست.

بحث بر سر شکل گیری یک جنبش سراسری، مبارزه جویانه و اعتراضی بر پایه ماتریال و دستمایه عملاً موجود و دخالت و تشریک مساعی همه فعالین و تشکل های کارگری شرط اولیه هر گونه پیشروی در این هدف است.

پیش به سوی جدالی سازمانیافته،

متشکل و متحد صف کارگران به

عنوان یک طبقه «مزدبگیران» با

سرمایه داران و دولت بعنوان طبقه ی

«حکام سرمایه»!

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دیبرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دیبر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دیبر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

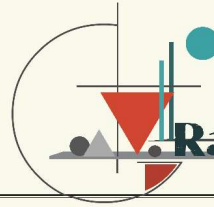
sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دیبر: فواد عبداللهی



صدای آزادی، صدای برابری

Radio

Nina

radioneena.com

نینا

پخش برنامه‌های نینا
از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت
۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در
شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نینا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena